

Readings and Prayers for Lent 3 Year A

<p>Collect: Almighty God, whose most dear Son went not up to joy but first he suffered pain, and entered not into glory before he was crucified: mercifully grant that we, walking in the way of the cross, may find it none other than the way of life and peace; through Jesus Christ your Son our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever. Amen.</p>	<p>دعای شروع مراسم مقدس خداوند قادر مطلق، کسی که فرزند عزیزت برای لذت به بالای صلیب نرفت بلکه ابتدا متحمل درد شد، و به جلال نرسید تا زمانی که مصلوب شد: بواسطه رحمتت ما را یاری کن که در مسیر صلیبش گام برداریم، که ممکن است راهی غیر از راه زندگی و آرامش باشد؛ بواسطه فرزندت و خداوند ما عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p>First Reading: Exodus 17: 1-7 From the wilderness of Sin the whole congregation of the Israelites journeyed by stages, as the LORD commanded. They camped at Rephidim, but there was no water for the people to drink. The people quarrelled with Moses, and said, "Give us water to drink." Moses said to them, "Why do you quarrel with me? Why do you test the LORD?" But the people thirsted there for water; and the people complained against Moses and said, "Why did you bring us out of Egypt, to kill us and our children and livestock with thirst?" So Moses cried out to the LORD, "What shall I do with this people? They are almost ready to stone me." The LORD said to Moses, "Go on ahead of the people, and take some of the elders of Israel with you; take in your hand the staff with which you struck the Nile, and go. I will be standing there in front of you on the rock at Horeb. Strike the rock, and water will come out of it, so that the people may drink." Moses did so, in the sight of the elders of Israel. He called the place Massah and Meribah, because the Israelites quarrelled and tested the LORD, saying, "Is the LORD among us or not?"</p>	<p>بنی اسرائیل به دستور خداوند از صحرای سین کوچ کردند و پس از چند توقف کوتاه، در رفیدیم اردو زدند. اما وقتی به آنجا رسیدند، دیدند که در آن مکان نیز آب برای نوشیدن پیدا نمی شود. پس گله و شکایت آغاز کردند و به موسی گفتند: "به ما آب بده تا بنوشیم." موسی جواب داد: "چرا گله و شکایت می کنید؟ چرا خداوند را امتحان می نمایید؟" اما آنها که از تشنگی بی تاب شده بودند، فریاد زدند: "چرا ما را از مصر بیرون آوردی؟ آیا ما را به اینجا آوردی تا با فرزندان و گله های خود از تشنگی بمیریم؟" موسی به حضور خداوند رفت و گفت: "من با این قوم چکنم؟ هر آن ممکن است مرا سنگسار کنند." خداوند در جواب موسی فرمود: "برخی از بزرگان بنی اسرائیل را همراه خود بردار و پیشاپیش مردم بطرف کوه حوریب حرکت کن. من در آنجا کنار صخره، پیش تو خواهم ایستاد. با همان عصایی که به رود نیل زدی، به صخره بزن تا آب از آن جاری شود و قوم بنوشند." موسی همانطور که خداوند به او دستور داد، عمل کرد و آب از صخره جاری شد. موسی اسم آنجا را مسا (یعنی "قوم، خداوند را امتحان کردند") گذاشت؛ ولی بعضی اسم آنجا را مریبه (یعنی "محل بحث و مجادله") گذاشتند، چون در آنجا قوم اسرائیل به مجادله با خداوند پرداختند و گفتند: "آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟" و به این ترتیب او را امتحان کردند.</p>
<p>Psalms 95 O come, let us sing to the LORD; let us make a joyful noise to the rock of our salvation! Let us come into his presence with thanksgiving; let us make a joyful noise to him with songs of praise! For the LORD is a great God, and a great King above all gods. In his hand are the depths of the earth; the heights of the mountains are his also. The sea is his, for he made it, and the dry land, which his hands have formed. O come, let us worship and bow down, let us kneel before the LORD, our Maker! For he is our God, and we are the people of his pasture, and the sheep of his hand. O that today you would listen to his voice! Do not harden your hearts, as at Meribah, as on the day at Massah in the wilderness, when your ancestors tested me, though they had seen my work. For forty years I loathed that generation and said, "They are a people whose hearts go astray, and they do not regard my ways." Therefore in my anger I swore, "They shall not enter my rest."</p>	<p>مزامیر ۹۵ بیایید خداوند را ستایش کنیم و در وصف "صخره" نجات خود، با شادی سرود بخوانیم! با شکرگزاری به حضور او بیاییم و با سرودهای شاد او را بپرستیم زیرا خداوند، خدای عظیمی است؛ او پادشاهی است که بر همه خدایان فرمان می راند. اعماق زمین در دست خداوند است و بلندی و عظمت کوه ها از آن او می باشد. آبها و خشکی ها را خدا بوجود آورده و آنها به او تعلق دارند. بیایید در برابر خدا، سر فرود آوریم و او را عبادت کنیم. بیایید در حضور آفریننده خود زانو بزنیم. ما قوم او هستیم و او خدای ما، ما گله او هستیم و او شبان ما. ای کاش امروز صدای خداوند را بشنوید که می فرماید: "سختدل و نامطمع نباشید چنانکه اجداد شما در صحرای مریبا و مسا نامطمع شدند. - در آنجا، اجداد شما، هر چند بارها معجزات و اعمال شگفت انگیز مرا دیدند، اما باز به من شک کردند. مدت چهل سال، از آنها محزون و بیزار بودم، زیرا دل و فکشان از من دور بود و نمی خواستند دستوراتم را اطاعت نمایند تا اینکه خشمگین شده، قسم خوردم که نگذارم وارد سرزمینی شوند که وعده داده بودم در آن آرام و قرار بگیرند.</p>
<p>Romans 5:1-11 Therefore, since we are justified by faith, we have peace with God through our Lord Jesus Christ, through whom we have obtained access to this grace in which we stand; and we boast in our hope of sharing the glory of God. And not only that, but we also boast in our sufferings, knowing that suffering produces endurance, and endurance produces character, and character produces hope, and hope does not disappoint us, because God's love has been poured into our hearts through the Holy Spirit that has been given to us. For while we were still weak, at the right time Christ died for the ungodly. Indeed, rarely will anyone die for a righteous person--though perhaps for a good person someone might actually dare to die. But God proves his love for us in that while we still were sinners Christ died for us. Much more surely then, now that we have been justified by his blood, will we be saved through him from the wrath of God. For if while we were enemies, we were reconciled to God through the death of his Son, much more surely, having been reconciled, will we be saved by his life. But more than that, we even boast in God through our Lord Jesus Christ, through whom we have now received reconciliation.</p>	
<p>نامه ی پولس به رومیان ۵: ۱-۱۱ پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم، از رابطه مسالمت آمیزی با خدا بهره مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جانش را روی صلیب در راه ما فدا کرد. بسبب همین ایمان است که عیسی مسیح ما را در چنین مقام و موقعیت عالی و ممتازی قرار داده است، مقام و موقعیتی که اکنون نیز در آن قرار داریم؛ و با اطمینان و شادی فراوان، مشتاق هستیم بصورتی درآییم که خدا برای ما در نظر گرفته است. اما نه تنها از این بابت شادیم، بلکه وقتی با مشکلات زندگی و سختی های روزگار نیز روبرو می شویم، باز خوشحال هستیم زیرا می دانیم این سختی ها به خیر و صلاح ما هستند چون به ما می آموزند که صبر و تحمل داشته باشیم. صبر و تحمل نیز باعث رشد و استحکام شخصیت ما می شود و به ما یاری می کند تا ایمانمان به خدا روز بروز قوی تر گردد. چنین ایمانی سرانجام امید ما را نیز نیرومند و پایدار می سازد، تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش آمدی به خیر و صلاح ماست، زیرا می دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است. ما این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می کنیم، زیرا او روح القدس را به ما عطا فرموده تا دل های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد. پس ملاحظه می کنید که در آن هنگام که ما در مانده و دلیل بودیم، درست در زمان مناسب، مسیح آمد و در راه ما گناهکاران جان خود را فدا کرد! حتی اگر ما انسانهایی خوب و پرهیزکار می بودیم، کمتر کسی ممکن بود حاضر شود جانش را در راه ما فدا کند، هر چند ممکن است کسی پیدا شود که بخواهد در راه یک انسان خوب و نجیب جانش را فدا کند. اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود اینکه گناهکار بودیم، مسیح را فرستاد تا در راه ما فدا شود. اگر آن زمان که گناهکار بودیم، مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد، حالا که خدا ما را بی گناه بحساب آورده، چه کارهای بزرگتری برای ما انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده خدا رهایی خواهد بخشید. هنگامی که دشمنان خدا بودیم، او بوسیله مرگ فرزندش ما را با خود آشتی داد؛ پس اکنون که دوستان خدا شده ایم و عیسی مسیح هم در قلب ما زندگی می کند، چه برکات عالی و پرشکوهی به ما عطا خواهد کرد. حال، چقدر از رابطه عالی و جدیدی که با خدا داریم، شادیم! اینها همه از برکت وجود خداوند ما عیسی مسیح است که در راه گناهکاران، جان خود را فدا کرد تا ما را دوستان خدا سازد.</p>	

Jesus came to a Samaritan city called Sychar, near the plot of ground that Jacob had given to his son Joseph. Jacob's well was there, and Jesus, tired out by his journey, was sitting by the well. It was about noon. A Samaritan woman came to draw water, and Jesus said to her, "Give me a drink." (His disciples had gone to the city to buy food.) The Samaritan woman said to him, "How is it that you, a Jew, ask a drink of me, a woman of Samaria?" (Jews do not share things in common with Samaritans.)

Jesus answered her, "If you knew the gift of God, and who it is that is saying to you, 'Give me a drink,' you would have asked him, and he would have given you living water." The woman said to him, "Sir, you have no bucket, and the well is deep. Where do you get that living water? Are you greater than our ancestor Jacob, who gave us the well, and with his sons and his flocks drank from it?" Jesus said to her, "Everyone who drinks of this water will be thirsty again, but those who drink of the water that I will give them will never be thirsty. The water that I will give will become in them a spring of water gushing up to eternal life."

The woman said to him, "Sir, give me this water, so that I may never be thirsty or have to keep coming here to draw water." Jesus said to her, "Go, call your husband, and come back." The woman answered him, "I have no husband." Jesus said to her, "You are right in saying, 'I have no husband'; for you have had five husbands, and the one you have now is not your husband. What you have said is true!"

The woman said to him, "Sir, I see that you are a prophet. Our ancestors worshipped on this mountain, but you say that the place where people must worship is in Jerusalem." Jesus said to her, "Woman, believe me, the hour is coming when you will worship the Father neither on this mountain nor in Jerusalem. You worship what you do not know; we worship what we know, for salvation is from the Jews. But the hour is coming, and is now here, when the true worshipers will worship the Father in spirit and truth, for the Father seeks such as these to worship him. God is spirit, and those who worship him must worship in spirit and truth." The woman said to him, "I know that Messiah is coming" (who is called Christ). "When he comes, he will proclaim all things to us." Jesus said to her, "I am he, the one who is speaking to you." Just then his disciples came. They were astonished that he was speaking with a woman, but no one said, "What do you want?" or, "Why are you speaking with her?"

Then the woman left her water jar and went back to the city. She said to the people, "Come and see a man who told me everything I have ever done! He cannot be the Messiah, can he?" They left the city and were on their way to him. Meanwhile the disciples were urging him, "Rabbi, eat something." But he said to them, "I have food to eat that you do not know about." So the disciples said to one another, "Surely no one has brought him something to eat?" Jesus said to them, "My food is to do the will of him who sent me and to complete his work. Do you not say, 'Four months more, then comes the harvest'? But I tell you, look around you, and see how the fields are ripe for harvesting. The reaper is already receiving wages and is gathering fruit for eternal life, so that sower and reaper may rejoice together. For here the saying holds true, 'One sows and another reaps.' I sent you to reap that for which you did not labour. Others have laboured, and you have entered into their labour."

Many Samaritans from that city believed in him because of the woman's testimony, "He told me everything I have ever done." So when the Samaritans came to him, they asked him to stay with them; and he stayed there two days. And many more believed because of his word. They said to the woman, "It is no longer because of what you said that we believe, for we have heard for ourselves, and we know that this is truly the Saviour of the world."

Prayer after Communion

Merciful Lord,
grant your people grace to withstand the temptations
of the world, the flesh and the devil,
and with pure hearts and minds to follow you, the only God;
through Jesus Christ our Lord.

سر راه، نزدیک دهکده "سوخار" به "چاه یعقوب" رسید. این چاه در زمینی است که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود. عیسی از رنج سفر خسته و از گرمای آفتاب ظهر بود و شاگردان او برای خرید خوراک به ده رفته تشنه، کنار چاه نشستند. بودند. در همین وقت، یکی از زنان سامری سر چاه آمد تا آب بکشد. عیسی از او آب خواست.

زن تعجب کرد که یک یهودی از او آب می‌خواهد، زیرا یهودیان با تنفیری که از سامریها داشتند، با آنان حتی سخن نمی‌گفتند، چه رسد به اینکه چیزی از آنان بخواهند؛ و زن این مطلب را به عیسی گوشزد کرد عیسی جواب داد: "اگر می‌دانستی که خدا چه هدیه عالی می‌خواهد به تو بدهد و اگر می‌دانستی که من کیستم، آنگاه از من آب حیات می‌خواستی." زن گفت: "تو که دلو و طناب نداری و چاه هم که عمیق است؛ پس این آب حیات را از کجا می‌آوری؟ مگر تو از جد ما یعقوب بزرگتری؟ چگونه می‌توانی آب بهتر از این به ما بدهی، آبی که یعقوب و پسران و گله او از آن می‌نوشیدند؟" عیسی جواب داد: "مردم با نوشیدن این آب، باز هم تشنه می‌شوند."

ولی کسی که از آبی که من می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آب در وجودش تبدیل به چشمه‌ای جوشان خواهد شد و او را به زندگی جاوید خواهد رساند."

زن گفت: "آقا، خواهش می‌کنم قدری از آن آب به من بدهید تا دیگر تشنه نشوم و مجبور نباشم هر روز این راه را بیایم و برگردم." ولی عیسی فرمود: "پرو شوهرت را بیاور." زن جواب داد: "شوهر ندارم." عیسی فرمود: "راست گفتی. تابحال پنج بار شوهر کرده‌ای، و این مردی که اکنون با او زندگی می‌کنی، شوهر تو نیست. عین حقیقت را گفتی!" زن که مات و مبهوت مانده بود، گفت: "آقا، آیا شما پیامبرید!"

و بلافاصله موضوع گفتگو را عوض کرد و گفت: "چرا شما یهودیها اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محل پرستش خدا بدانید، در صورتی که ما سامری‌ها مثل اجدادمان این کوه را محل عبادت می‌دانیم؟" عیسی جواب داد: "ای زن حرفم را باور کن. زمانی می‌رسد که برای پرستش "پدر"، نه به این کوه رو خواهیم آورد و نه به اورشلیم. 22 شما سامری‌ها درباره کسی که می‌پرستید چیزی نمی‌دانید اما ما یهودی‌ها او را می‌شناسیم، زیرا نجات بوسیله یهود به این دنیا می‌رسد. اما زمانی می‌آید، و در واقع همین الان است، که پرستندگان واقعی، "پدر" را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. "پدر" طالب چنین پرستندگانی هست. زیرا خدا روح است، و هر که بخواد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد. زن گفت: "من می‌دانم که مسیح به زودی می‌آید. شما یهودی‌ها هم این را قبول دارید و وقتی او بیاید همه مسائل را برای ما روشن خواهد کرد." عیسی فرمود: "من همان مسیح هستم!" در همین وقت، شاگردان عیسی از راه رسیدند و وقتی دیدند او با یک زن گفتگو می‌کند، تعجب کردند، ولی هیچک از ایشان جرأت نکرد بپرسد چرا با او صحبت می‌کند. آنگاه زن کوزه خود را همانجا کنار چاه گذاشت و به ده بازگشت و به مردم گفت: "بیایید مردی را ببینید که هر چه تابحال کرده بودم، به من بازگفت. فکر نمی‌کنید او همان مسیح باشد؟" پس مردم از ده بیرون ریختند تا عیسی را ببینند. در این میان، شاگردان اصرار می‌کردند که عیسی چیزی بخورد. ولی عیسی به ایشان گفت: "من خوراکی دارم که شما از آن خبر ندارید." شاگردان از یکدیگر پرسیدند: "مگر کسی برای او خوراک آورده است؟" عیسی فرمود: "خوراک من این است که خواست خدا را بجا آورم و کاری را که بعهده من گذاشته است انجام دهم. آیا فکر می‌کنید وقت برداشت محصول چهار ماه دیگر، در آخر تابستان است؟ نگاهی به اطرافتان بیندازید تا ببینید که مزرعه‌های وسیعی از جانهای مردم برای درو آماده است. دروگران مزد خوبی می‌گیرند تا این محصول را در انبارهای آسمانی ذخیره کنند. چه برکت عظیمی نصیب کارنده و دروکننده می‌شود! این مثل، اینجا هم صدق می‌کند که دیگران کاشتند و ما درو کردیم. من شما را می‌فرستم تا محصولی را درو کنید که زحمت کاشتنتان را دیگران کشیده‌اند. زحمت را دیگران کشیده‌اند و محصول را شما جمع می‌کنید!"

آن زن به هر که در آن ده می‌رسید، سخنان عیسی را بازگو می‌کرد و می‌گفت: "این شخص هرچه در عمرم کرده بودم، به من بازگفت!" از این جهت، بسیاری از سامری‌ها به عیسی ایمان آوردند. وقتی آنان بر سر چاه آب نزد عیسی آمدند، خواهش کردند که به ده ایشان برود. عیسی نیز رفت و دو روز با ایشان ماند. در همین دو روز، بسیاری به پیغام او گوش دادند و به او ایمان آوردند. آنگاه به آن زن گفتند: "ما دیگر فقط بخاطر سخنان تو به او ایمان نمی‌آوریم، زیرا خودمان پیغام او را شنیده‌ایم و ایمان داریم که او نجات دهنده جهان است."

دعای پس از عشاء ربانی

خداوند بخشایشگر،
بندگان را فیضی عطا کن که در برابر وسوسه‌های
دنیا، جسمانی و شیطانی مقاومت کنند،
و با قلب و عقلی منزّه از تو پیروی کنند، خداوند یکتا را؛
بواسطه خداوندنمان عیسی مسیح.